

# استفاده از منابع خارجی در طرح‌های صادرات‌گرا

اشاره:

کسب منابع سرمایه‌گذاری برای اجرای پروژه‌های اقتصادی از منابع مالی خارجی، می‌تواند در رفع معضل کمبود سرمایه به ویژه برای کشورهای درحال توسعه، کارساز باشد.

امروزه تسریع در امر سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و بالا بردن بازده تولید ملی از مهمترین وظایف سیاست‌گذاران اقتصادی و کارآفرینان می‌باشد که در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی سریع و پایدار مؤثر است.

اما آنچه مهم است، حفظ اعتبار بین‌المللی در مجامع پولی و مالی جهان است که می‌تواند تضمین‌کننده فرآیند دستیابی به منابع مالی جهانی باشد.

اقتصاد ایران در سال‌های اخیر توانسته است تا حدودی به منابع مالی بین‌المللی دست پیدا کند، اما تداوم این امر و نیز بازده منابع جمع‌آوری شده برای اقتصاد ملی، حایز اهمیت و قابل بررسی است.

در این مقاله به بررسی موقعیت تعهدات خارجی ایران در سال‌های گذشته و آینده می‌پردازیم.

خاتمه جنگ تحمیلی) قیمت‌های نفت خام در بازارهای جهانی به کمتر از ۱۰ دلار در هر بشکه سقوط کرد و در سال‌های پس از آن نیز بهای نفت تا سال ۱۹۹۰ (مرداد ۱۳۶۹) که جنگ خلیج فارس با حمله عراق به کویت شروع شد، بهای نفت در حدود ۱۵ تا ۲۰ دلار در هر بشکه نوسان داشت.

قدر مسلم آن است که بازسازی اقتصاد جنگ‌زده ایران که در جریان دفاع مقدس به تعبیر منابع رسمی کشور بیش از یک هزار میلیارد دلار و به تعبیر منابع بین‌المللی حدود ۲۰۰ میلیارد دلار خسارت دیده بود، کار آسانی نبود و به منابع ارزی و ریالی فراوانی نیاز داشت. از سوی دیگر با خاتمه جنگ تحمیلی،

و ایثار ملت میسر گردید و سرانجام در پایان جنگ تحمیلی، ایران رقمی در حدود ۸۵۰ میلیون دلار تعهدات خارجی در قبال واردات داشت. این در حالی بود که عراق در دوران جنگ از حدود ۶۰ میلیارد دلار اعتبارات و کمک‌های مالی کشورهای عربی و دولت‌های غربی برخوردار شد.

جنگ با تمام دشواری‌ها و هزینه‌هایی که به وجود آورد، بدون بروز موضوع بدهی خارجی و استقراض از منابع بین‌المللی خاتمه یافت، اما برای شروع دوران بازسازی اقتصادی، نیاز به منابع سرمایه‌گذاری روزبه‌روز بیشتر می‌شد. این در حالی بود که از اواسط سال ۱۹۸۶ (حدود سه سال پیش از

جمهوری اسلامی از آبان ۱۳۵۸ به دنبال تسخیر لانه جاسوسی آمریکا از سوی دانشجویان پیرو خط امام، مورد تحریم اقتصادی بین‌المللی قرار گرفت. آمریکا بانی این تحریم اقتصادی بود و جامعه اروپا را نیز به دنبال خود به اعمال تحریم علیه ایران کشاند.

با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) و تخریب تأسیسات اقتصادی ایران از سوی نظامیان عراق، موضوع تحریم اقتصادی در ابعاد وسیع‌تری بر اقتصاد کشور اثر گذاشت.

تأمین هزینه‌های دفاعی و اقتصادی در دوران دفاع مقدس بدون دستیابی به منابع ارزی خارجی، با بذل توجه دولت

دولت قصد داشت فشارهای اقتصادی وارده به مردم در دوران جنگ را نیز تخفیف دهد. لذا تقاضای کل در سال‌های پس از خاتمه جنگ نه تنها برای کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، بلکه برای کالاهای مصرفی و حتی مواد غذایی به سرعت افزایش می‌یافت.

در همین حال بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود تولیدی در کشور نیز مستلزم به‌کار انداختن سرمایه‌ها بود، زیرا که در دوران جنگ تحت‌تأثیر کمبود مواد اولیه و قطعات و ماشین‌آلات موردنیاز بخش صنعت، اکثر کارخانه‌ها در حدی کمتر از ۵۰ درصد ظرفیت اسمی کار می‌کردند.

در یک کلام، راه‌اندازی چرخ‌های اقتصاد ملی، بازسازی ویرانی‌های به‌جامانده از جنگ تحمیلی، جبران عقب‌افتادگی‌های اقتصادی و ایجاد ساختار و زیربنای مستحکم اقتصادی، نیازمند سرمایه بود و در تمام این دوران نیز فشارهای اقتصادی آمریکا برای اعمال تحریم اقتصادی گسترده علیه ایران ادامه داشت. وجود ذخایر غنی نفت در ایران، پشتوانه‌ای قوی برای دریافت اعتبارات از منابع مالی بین‌المللی بود. این در حالی بود که اکثر شرکت‌های اروپایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تجاری ایران را به خوبی شناسایی کرده و قصد داشتند از بازار روبه‌گسترش ایران برای اجرای پروژه‌های اقتصادی بهره‌گیرند. نیاز متقابل (جمهوری اسلامی ایران نیازمند بازسازی اقتصاد ملی بود و شرکت‌های خارجی نیازمند اجرای پروژه‌های اقتصادی)، موجب شد که در نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بیش از ۳۰ میلیارد دلار از اعتبارات خارجی برای

اجرای پروژه‌های اقتصادی مصوب در برنامه استفاده شود.

سیاست‌گزاران و فعالان اقتصادی کشور برای دستیابی سریع‌تر به منابع ارزی موردنیاز برای اجرای پروژه‌ها، به دریافت اعتبارات تجاری کوتاه‌مدت (یوزانس) روی آوردند، چرا که دستیابی به منابع مالی بلندمدت، نیازمند صرف وقت بیشتری بود. از سوی دیگر فشارهای آمریکا برای به‌انزوا کشاندن ایران موجب می‌شد که دست‌اندرکاران بانکی در روی آوردن به منابع بین‌المللی برای دریافت اعتبارات بلندمدت، کمتر موفقیتی به‌دست آورند.

اعتبارات کوتاه‌مدت (یوزانس) موجب شد که واردات اقلام موردنیاز برای بازسازی و نوسازی بخش‌های اقتصادی فراهم آید، اما با وجود آنکه درآمدهای نفتی ایران در سال‌های ۷۴-۱۳۷۰ در حدود سالانه ۱۸ تا ۱۹ میلیارد دلار بود، اما حجم تعهدات قابل پرداخت به ویژه در سال‌های پایانی اجرای برنامه اول به مراتب سنگین‌تر بود. ارزش واردات ایران در سال ۱۳۷۰ به ۲۵/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۱ به حدود ۲۳/۳ میلیارد دلار و در سال ۱۳۷۲ به ۱۹/۳ میلیارد دلار بالغ شد که بخش عمده آن را کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تشکیل می‌دادند.

مشکلات مربوط به عدم پرداخت تعهدات سررسید شده، موجب گردید که دست‌اندرکاران بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به مذاکره برای زمان‌بندی درباره تعهدات خارجی با بستانکاران روی آورند.

در این حیطه، آمریکا فشارهای بیشتری را به بستانکاران غربی برای نپذیرفتن تقاضای استمهال بدهی‌های ایران وارد می‌ساخت، اما جمهوری

اسلامی تا حدود زیادی بستانکاران را متقاعد ساخت که به تعهدات خود پایبند است و فقط با طولانی شدن دوره بازپرداخت تعهدات خارجی می‌تواند به تمامی تعهدات خود عمل کند. در این زمینه موفقیت به‌دست آمده در تسطیح بدهی‌های خارجی برای نظام جمهوری اسلامی ایران قابل تقدیر است.

حجم تعهدات خارجی ایران از حدود ۳۰ میلیارد دلار در اواخر سال ۱۳۷۱ به ۲۲/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳، ۲۱/۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۴، ۱۶/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۵ و ۱۲/۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۶ کاهش یافت.

سیر نزولی تعهدات خارجی و تبدیل نسبت یک به سه تعهدات کوتاه‌مدت به تعهدات میان و بلندمدت، اعتبار مالی ایران را نزد منابع مالی بین‌المللی افزایش داد و به ویژه از سال ۱۳۷۶ خطوط اعتباری تازه‌ای به روی ایران گشوده شد که بهره‌گیری از آنها تأثیر افت درآمدهای نفتی بر روند توسعه اقتصادی را تا حدودی کاهش داد.

با استفاده از خطوط اعتباری جدید در سال گذشته جمع تعهدات خارجی ایران به حدود ۱۴ میلیارد دلار رسید که ۴/۵ میلیارد دلار آن را تعهدات کوتاه‌مدت و حدود ۹/۵ میلیارد دلار را تعهدات میان و درازمدت تشکیل داد. البته نباید از نظر دور داشت که افت شدید درآمدهای نفتی از ۱۵/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۶ به کمتر از ۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۷ عامل بسیار مهمی است.

بر اساس آخرین گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مجموع تعهدات خارجی ایران در پایان نیمه اول سال جاری به ۱۱ میلیارد و ۶۸۸ میلیون

دلار رسید که ۳ میلیارد و ۳۶۵ میلیون دلار آن را تعهدات کوتاه مدت و ۸ میلیارد و ۳۲۳ میلیون دلار را تعهدات میان و بلندمدت تشکیل می‌دهد. بدهی خارجی ایران شامل تعهدات احتمالی از جمله اعتبارات اسنادی گشایش یافته که کالاهای آن هنوز حمل نشده و همچنین بهره‌های آینده نمی‌باشد. با احتساب این تعهدات، کل بدهی‌ها و تعهدات خارجی (قطعی و احتمالی) در شهریور ۱۳۷۸ به ۲۱ میلیارد و ۹۸۳ میلیون دلار می‌رسد. از نظر کارشناسان بانکی، اقتصاد ایران در شرایط کنونی توان تحمل ۴۰ میلیارد دلار تعهدات خارجی را دارد.

با وجود آنکه بانک مرکزی به ویژه در دومین برنامه توسعه اقتصادی، سیاست محتاطانه‌تری را در قبال بهره‌گیری از منابع مالی خارجی در پیش گرفته است و نیز اقتصاد ملی را به سمت و سوی صرفه‌جویی‌های ارزی و کاهش واردات سوق می‌دهد، با این وجود نباید از نظر دور داشت که استفاده بهینه از منابع مالی خارجی در جهت پیشبرد طرح‌های اقتصادی صادرات‌گرا برای اقتصاد متکی به نفت ایران یک امتیاز محسوب می‌شود.

آنچه جای سؤال و بررسی دارد، آن است که منابع مالی وام گرفته شده از خارج، تأثیر بسزایی در رونق صادرات کشور بجا نهد است، زیرا اگر این تأثیرگذاری در سطح وسیع صورت می‌گرفت، نه تنها نگرانی از بازپرداخت اقساط و بهره بدهی‌ها وجود نداشت، بلکه اقتصاد کشور از رونق بهره‌مند می‌گردید و رشد تولید و اشتغال را تجربه می‌نمود. از این رو جای بررسی دارد که سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در ایران با چه توجهات و ارزیابی‌هایی صورت می‌گیرد و چرا طرح‌های سرمایه‌گذاری

نقش کلیدی در افزایش صادرات غیرنفتی و درآمدهای ارزی کشور ایفا نمی‌کنند؟ البته نباید صرف دست نیافتن به رشد صادرات موجب گردد که موضوع بهره‌گیری از اعتبارات خارجی زیر سؤال برود، بلکه می‌بایست بازنگری اساسی در سیاست‌های سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا با هدف جهش در صادرات مدنظر باشد.

روند نزولی نرخ رشد اقتصادی ایران در سال‌های اخیر (از ۵/۸ درصد در سال ۷۵ به ۳/۴ درصد در سال ۷۶ و سپس به ۱/۶ درصد در سال گذشته) جای نگرانی دارد و می‌بایست در سیاست رشد اقتصادی کشور تجدیدنظر شود و عواملی را که موجب افت نرخ رشد اقتصادی می‌شود، از بین برود. صرفه‌جویی در واردات و استفاده کمتر از منابع خارجی نمی‌تواند متضمن رشد و رفاه اقتصادی باشد. رشد سرمایه‌گذاری‌ها به ویژه سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا نه تنها به رفع معضل بیکاری کمک می‌کند، بلکه می‌تواند تأثیر سازنده خود را در پویایی رشد و توسعه اقتصادی بجا گذارد.

برآورد کارشناسان نشان می‌دهد که اقتصاد ایران برای یافتن جایگاه و نقش خود در نظام اقتصادی - تجاری جهان نیازمند نرخ‌های رشد سریع‌تر در حد ۶ تا ۸ درصد در سال می‌باشد و چنانچه توجه کافی به این مقوله صورت نگیرد، تنگناهای اقتصادی در دهه بعدی به مراتب بیشتر خواهد شد.

در سومین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با محوریت صادرات غیرنفتی و تلاش برای جهش در صادرات، رشد ۶ درصدی اقتصاد ملی پیش‌بینی شده است. دستیابی به این رشد منوط به کارکرد قوی و مؤثر تمام

بخش‌های اقتصادی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود و بالقوه اقتصادی و رشد سریع سرمایه‌گذاری (به‌طور متوسط ۷ درصد در سال) می‌باشد. با این روند حجم تعهدات خارجی نیز به لحاظ بهره‌گیری بیشتر از منابع خارجی (در چارچوب طرح‌های تأمین مالی، فینانس و بیع متقابل) افزایش خواهد یافت. اما این موضوع نباید موجب نگرانی محافل اقتصادی باشد، بلکه آنچه جای نگرانی دارد، صرف این منابع در پروژه‌های فاقد توجه اقتصادی، دیربازده، طولانی شدن مدت اجرای پروژه‌ها که صرفه اقتصادی آنها را زیر سؤال می‌برد و نقش نداشتن پروژه‌های سرمایه‌گذاری در راهبرد جهش صادراتی می‌باشد. از این رو سیاست‌گذاران اقتصاد ایران بیش از آنکه دلشوره از افزایش تعهدات خارجی داشته باشند، باید نسبت به نقش منابع خارجی در صادرات غیرنفتی نگران باشند و عوامل و موانعی که سبب کاهش این نقش می‌شود را از میان بردارند.

در سومین برنامه توسعه اقتصادی کشور، جمع مصارف ارزی کشور (واردات کالا و خدمات) در سطح ۱۱۲ میلیارد و ۴۳۷ میلیون دلار و جمع منابع ارزی (صادرات کالا و خدمات) در سطح ۱۰۵ میلیارد و ۶۴۷ میلیون دلار برآورد شده است. به این ترتیب ۶ میلیارد و ۷۹۰ میلیون دلار به تعهدات خارجی کشور اضافه می‌شود که با اضافه نمودن این رقم به تعهدات ۲۲ میلیارد دلاری (قطعی و احتمالی) در سال جاری، به رقمی نزدیک به ۲۸ تا ۲۹ میلیارد دلار خواهد رسید.

البته نباید فراموش شود که هر گونه تغییری در درآمدها و هزینه‌های ارزی کشور در این سال‌ها، بر این رقم اثر خواهد داشت.

از این رو می‌توان گفت، تعهدات خارجی در پنج سال آینده کمتر از حد توان قابل قبول برای بازپرداخت بدهی‌ها، باقی ماند.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران سررسید بدهی‌های خارجی ایران در سال‌های آتی را بدین شرح اعلام کرده است:

در سال جاری میزان سررسید تعهدات ۲ میلیارد و ۹۳۶ میلیون دلار است که در سال آینده این رقم به ۴ میلیارد و ۳۰۷ میلیون دلار خواهد رسید. پس از آن در سال ۱۳۸۰ میزان سررسید تعهدات یک میلیارد و ۵۱۰ میلیون دلار، در سال ۱۳۸۱ به میزان ۶۰۶ میلیون دلار و در سال ۱۳۸۲ به بعد ۲ میلیارد و ۳۲۹ میلیون دلار می‌باشد.

با توجه به این جدول، تنها در سال آینده فشار تعهدات سررسید شده تا حد به نسبت زیادی قرار دارد و پس از آن بازپرداخت تعهدات، آسان‌تر خواهد شد. اگر در برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور از منابع مالی کوتاه‌مدت خارجی استفاده نشود و تلاش برای استفاده از خطوط اعتباری میان و بلندمدت صورت بگیرد، می‌توان اطمینان خاطر داشت که مشکلی در بازپرداخت تعهدات و انباشت بدهی‌ها پیش نخواهد آمد.

با این وجود، کارشناسان عقیده دارند که سیاست محتاطانه بانک مرکزی در بهره‌گیری از اعتبارات خارجی، توجیه قابل قبولی ندارد، بلکه می‌توان از اعتبارات میان و بلندمدت برای رونق سرمایه‌گذاری‌ها (به‌ویژه سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا) بهره گرفت و رشد اقتصادی موردانتظار در برنامه سوم را محقق ساخت.

در حال حاضر اعتبار مالی ایران نزد منابع پولی بین‌المللی اعاده شده و در حد

بسیار خوبی است و می‌توان با انجام مذاکرات لازم، زمینه بهره‌گیری مناسب از این اعتبار را فراهم ساخت. اگرچه جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی (به‌طور مستقیم یا مشترک و یا در قالب طرح‌های بیع متقابل) امتیازی مهم تلقی می‌شود، اما از آنجا که هنوز اتحادیه اروپا ایران را در شمار کشورهای دارای مخاطرات (ریسک) سرمایه‌گذاری بالا قرار داده است، برای پیشبرد اقتصاد ملی نباید از راه‌های دیگر جذب منابع (از جمله استقراض از بانک‌های اروپایی و خاور دور) غافل بمانیم.

کاهش میزان مخاطره سرمایه‌گذاری (ریسک) نیازمند برقراری امنیت اقتصادی در چارچوب قوانین حقوقی مستحکم و در سطح بین‌المللی می‌باشد که هنوز پایگاه و جایگاه آن در ایران وجود ندارد و انجام این مهم نیازمند صرف وقت طولانی است. اما بی‌توجهی نسبت به سایر راه‌های جذب منابع، زیان‌های اقتصادی به مراتب بیشتری به اقتصاد کشور وارد می‌کند که نباید آنها را نادیده گرفت.

در حال حاضر معضلی که شماری از واردکنندگان و سرمایه‌گذاران با آن روبرو هستند، محدودیت‌هایی است که بانک مرکزی برقرار ساخته و اجازه استفاده از اعتبارات خارجی (کوتاه و بلندمدت) را به بخش خصوصی نمی‌دهد، در حالی که می‌توان با ارزیابی دقیق طرح‌های اقتصادی آنها، راه را برای بهره‌گیری از منابع خارجی برای بخش خصوصی باز کرد و اجازه داد که کارآفرینان اقتصادی، ارتباطات پولی و مالی وسیع‌تری با دنیای خارج برقرار کنند و با دستیابی به فن‌آوری روز، ایجاد صنایع صادرات‌گرا و رقابت در عرصه بین‌المللی، خلاقیت‌ها و ابتکارات خود

را به کار گیرند.

آنچه مسلم است، کمبود نقدینگی بسیاری از واحدهای تولیدی در حال حاضر مانع از بهره‌گیری آنها از ظرفیت‌های اسمی‌شان است و عدم استفاده از این ظرفیت‌ها، زیان‌های اقتصادی غیرقابل جبران به دنبال دارد.

در نهایت باید گفت، به منظور دستیابی به رشد اقتصادی سریع و پویا، رونق سرمایه‌گذاری و رفع معضلات اقتصادی و اجتماعی، کارگزاران نظام می‌بایست امروز بیش از هر زمان دیگر متوجه استفاده از تمامی راه‌های ممکن برای حصول به هدف باشند. نگرانی از افزایش تعهدات خارجی، در شرایطی که منابع به‌دست آمده در جهت رونق تولید و صادرات به‌کار گرفته شود، توجیه منطقی ندارد.

آنچه مسلم است، تمامی برآوردها و پیش‌بینی‌های اقتصادی به‌طور تمام و کمال تحقق پیدا نمی‌کند و همواره مخاطرات وجود دارد. اما دست روی دست نهادن، به مراتب خسارات بیشتری به‌بار می‌آورد. در تمام دنیا مخاطرات (سیاسی، اقتصادی، طبیعی) در سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی تا حدی پذیرفته شده است و چنانچه بتوان دامنه این مخاطرات را کاهش داد و محدود نمود، می‌بایست از فرصت‌های اقتصادی در تمامی زمینه‌ها (حتی دسترسی به منابع سرمایه‌گذاری و بانکی بین‌المللی) بهره‌جست.

